

## چرا مردم اینقدر عصبانی شدند؟!

مهدیه خلیفات

از طرفی به نهادهای تکمیلی نیز اعتماد ندارند. نه مجلسی است در راس امور و نه حتی تیم کارشناسی که بیاید و از این تصمیم دفاع کند. حتی لیبرال های وطنی نیز این روزها غائبند. یکی شان حاضر نیست پای این تصمیم که سالها سنگش را به سینه زدند امضا کنند. با این همه، دولت حتی آداب همراه کردن مردم را هم یاد ندارد. چنین تصمیم سختی را شبانه اعلام نمی کنند. با اطلاعیه خبر

نمی دهند. نفرات میانی خبررسانی نمی کنند. چنین تصمیمی نیازمند حضور رئیس جمهور جلوی دوربین و ارائه توضیح صمیمانه و صادقانه و شفاف و رودر رو با مردم است نه اینکه پوزخند به لب بپراندند که خودشان هم نمیدانستند. باید دل و ذهن مردم را همراه کرد نه صرفا جیبشان را.

چندسال مردم گریزی و تکبرساختاری و پنهان کاری در تصمیم گیری باعث شده است امروز که ناگزیر از شوک درمانی است، اعتماد مردم را نداشته باشد. یک تصمیم صحیح در شرایط درست و با زمینه سازی لازم ابلاغ و با حمایت مردم و در جهت کمک به مردم و کلیت نظام پیش می رود. دولت باید بداند تفاوت یک دولت اسلامی با دولت غیر اسلامی در آگاهی دادن عمومی به مردم و رشد دولت و ملت با همدیگر است و نه سیاست تصمیم و فرار از پاسخگویی!

کوچکتر بودم اما در خاطرمان مانده افزایش بنزینی را که زمان احمدی نژاد اجرایی شد، سروصدایی در پی اش بود و تخریب چند پمپ بنزین راهم به همراه داشت. اما چرا مردم در نهایت به اندازه امروز عصبانی نبودند؟ مهمترین نکته اش شاید این بود که جامعه به عزم و هزم دولت اعتماد داشت. ولو اینکه تصمیم دولت و گران شدن بنزین را خطا بداند. از طرفی اعتماد نسبی به نظارت مجلس داشت. چند تا نماینده باوجدان و غیرتی و کارشناس شبانه روز ناظر بر دولت بودند. مرکز پژوهش ها گزارش های دقیق کارشناسی و نظارتی داشت. شهرداری تهران بستر اجرای سیاست های قیمتی را فراهم کرده بود. اگر مترو و سیستم حمل و نقل عمومی آن دوره نبود. روش های قیمتی پاسخگو نبود. اما مشکل امروز دولت، تنها شوک درمانی نیست. اینکه مردم عصبی اند تنها یک دلیل

دارد. آنهم اینکه اعتماد ندارند. همین تصمیم را هم می شود با روش ها و سیاست های تکمیلی تدبیر و مهار کرد. اما مردم، این دولت را مرد شرایط سخت نمی دانند. بی راه هم نمی گویند. حق دارند. خاطره دلار ۱۸ هزار تومانی و سیاست حیف و میل کردن طلا و ارز فراموش نشده است. اصولا مردم اعتمادشان به دولت را از دست داده اند، باور مردم به بسته های حمایتی دولت از بین رفته و فشارهای اقتصادی وارده به جامعه ناشی از تصمیمات غلط دولت در چند سال اخیر جلوی چشم ملت است و همین اعتماد را سلب می کند.



عناوین مطالب

چرا مردم اینقدر عصبانی شدند  
۱.....

محور مقاومت و اپیدمی اغتشاش  
۱.....

من خودم صبح جمعه فهمیدم !!  
۲.....

داستان یک تدبیر!  
۳.....

## محور مقاومت و اپیدمی اغتشاش

رضوان کشاوری

شاید بتوان از آن به نسل چهارم جنگ ها تعبیر کرد از کجاست؟ " در کتابی با نام دکتترین شوک نوشته نائومی کلاین، نویسنده به کالبد شکاف تغییر سیاست ها وقوانین مدیریت شده ای که شهروندان را هم عینی و هم ذهنی نشانه می رود پرداخته، قوانینی که در آن معیشت مردم را تحت تاثیر قرار می دهد و در عین حال واکنش تند جمعی به ارمان می آورد. در این حین و در میان بهت و سردرگمی مردم از وضع موجود و تنگ تر شدن هر روزه ی عرصه ی زندگی بر آنان موج اعتراضات مردمی بهترین فرصت حمله دشمن با تعداد اندکی نیروی خرابکار و کنترل از راه دور لحظه به لحظه و به کارگیری شبکه های مجازی و رسانه ای گسترده برای ایجاد تغییرات ساختاری ست. کته جالب و تکرار پذیر این طراحی در عراق که درباره رسانه های آلوده به کمک های بن سلمان، از جمله شبکه «ایران اینترنشنال»، و بی بی سی عربی و فارسی باید گفته شود، این است که این شبکه ها همان سیاستی را با هدف بر انگیزتن احساسات عراقی ها علیه ایران به کار گرفتند که قبلا آن را برای ایجاد احساسات ضد عربی در میان ایرانیان به کار گرفته بودند!

تا مسئله ی تقسیم عادلانه امکانات زندگی در این کشور بر همه مردم و امکانات کار بر همه مردم حل نشود، سایر مسائل انقلاب ما حل شدنی نیست. این گفته دکتر شهید بهشتی در اولین سال های انقلاب ایران است. اهمیت این گفته رامیتوان این روزها و در پی ناآرامی های ایران و منطقه بهتر درک کرد. نا آرامی هایی که درعراق و لبنان در ماه های اخیر و در ایران در روزهای اخیر شاهد آن بودیم ابتدا از سوی خود مردم و در اعتراض به ساختار معیوب و مشکلات اقتصادی دولت ها بود. اما در این بین شواهدی می بینیم که عده ای دست نشانده و وابسته به جریاناتی خاص در کمین نشسته بودند تا سوار بر موج اعتراضات آشوب و اغتشاش کنندو با تحت الشعاع قرار دادن موفقیت ها و اقتدار روز افزون حزب الله در لبنان علیه رژیم صهیونیستی و دستاورد مردم عراق در مبارزه با داعش و ایجاد بد بینی نسبت به نیروهای بسیج مردمی حشدالشعبی در میان مردم عراق نامنی گسترده ای در منطقه ایجاد کنند. اما سر منشا و پایه و اساس این مدال تکراری در سال های اخیر که



...نشبهه ایران اینترنشنال به نقل از منابع خود، مدعی شد که نظامیان ایرانی هم اکنون معترضان عراقی را سرکوب می کنند! همین رویه را ما در فتنه سال ۱۳۸۸ از جانب رسانه های وابسته به سعودی و آمریکا شاهد بودیم که مدعی شده بودند، نیروهای حزب الله لبنان اعتراضات در ایران را سرکوب می کنند! علی ای حال هدف اصلی و نهایی این طراحی ها در عراق و لبنان و سوریه و... با مدل های مختلف برهم زدن ثبات و امنیت ملت ها و ایجاد تفرقه میان امت های مسلمان و تضعیف و سرکوب نظام اسلامیست. این تمام خوابیست که برای یک به یک کشورهای منطقه دیده اند! اما نقطه خطرناک و غیرقابل پیش بینی برای دشمن و عامل نقش برآب کردن هرباره ی این طراحی های سنگین و پیر هزینه اعتقاد و باور قلبی هر انسانی است که برای برخی شاید از ابتدا و برخی لحظه ای نا مشخص بروز میکند؛ گاهی از جنس حب وطن و ایمان قلبی و آزادی خواهی و گاهی یقین وعده های الهی و ولایت پذیری ست. هر چه باشد سر به زنگاه و حول محوری مشترک اتحادی برای یک ملت رقم میزند که به رغم همه مشکلات و تنگنا ها گویی بارقه ای در ذهن و قلب هر انسانی میشود که پایبند آرمان ها و ارزش های دینی و ملی خود با از هر نژاد و قومی شود چرا که به گفته شهید آوینی عزیز وجدان نیم خفته ی بشر و فطرتش هنوز نمرده است شاید این بارقه روزی بیداری روح ژاپنی و بروز گرایش پنهان

چشم بادامی ها برای بازگشت به سنت های فراموش شده شرقی باشد و به جای یک دقیقه سکوت برای کشته هایشان در فجایع انسانی قرن، آخرین سامورایی بر خیزد و یک دقیقه از آنانی که عاملان این فجایع بشری بودند و همچنان هستند سخن بگوید. آن روز شاید شعار مرگ بر آمریکا نه فقط منحصر به ایران و منطقه که جهانی شود و به معنای واقعی تحقق یابد.



hrouhani • Follow



من خودم صبح جمعه  
فهمیدم که  
بنزین  
گرون شده !!!



Comments



ali\_allami

تا به حال راه حل رییس جمهورمان در مواقع حساس سکوت رسانه ای بود اما حالا تبدیل شده به دروغ رسانه ای ادروغ بد است ، و اینکه مخاطب بداند دروغ می گویی بدتر ، اقتضاح اما این است که بدانی که مخاطب میداند مشغول دروغ گفتنی!



moha\_davoodi

فکر میکنم آقای رییس جمهور مزاح فرمودند مگه داریم؟؟؟ مگه میشه؟؟؟ من خودم شب جمعه میدونستم مگه میشه رییس جمهور مملکت خبردار نباشه؟؟



k\_abbaftabar

چقدر میتواند سخت باشد، شنیدن جواب های وقیحانه یک #مسئول که #مدعی خدمتگزاری است، برای مادری که سالهاست چشم به راه یک «سلام مادر من برگشتم..» است...  
#حیف\_خون....



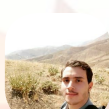
hamed\_ahmadi

چهار ساله دارم میرم دانشگاه تازه امروز صبح فهمیدم دانشجویم.



ali\_reza\_taghinasab

مردم ایران فهیم هستند، و دلیلی را میپذیرند که ریشه در علم و منطق دارد نه ریشه در جهل و ندانستن...



alicheraghian

مردم! تعجب نداره ، منم جمعه خبر دار شدم چرا انقدر بین خودتون و مسئولین فرق میذارید ، اون ها هم یکی از ما . بچه هاشون همون جایی که ما درس می خونیم درس میخونن نه خارج از کشور خونه شون مثل خونه ی فقراست تا فقرا کمتر یاد درداشون بیفتن نه شمال تهران . هر روز بین مردمن و حرف هاشون رو میشنون و برای رسیدگی به امور کشور ساعت شش صبح میرن سر کار نه ساعت یازده هیچ وقت هم دست دامادشون یا برادرشون یا پدر عروسشون یا پسر عمه شون رو جایی بند نکردن و اجازه سوء استفاده بهشون نداد. #تنها\_راه\_نجات\_کشور\_اطاعت\_از\_رهبری

۱

### زمینه داستان

در کشور ما تعادل «قیمت سوخت پایین - درآمد پایین» وجود دارد و در کشور های پیشرفته تعادل «قیمت سوخت بالا - درآمد بالا». تعادل اولی در بسیار آسیب زاست. دولت های برای برقراری این تعادل باید قیمت واقعی سوخت را با تکنیک هایی مثل یارانه کاهش دهند تا بر «درآمد پایین» نچربد. و این پایین آوردن قیمت سوخت ضررهای بزرگی نظیر به صرفه بودن قاچاق سوخت و ضررهای دیگریست (جالب توجه است بدانید حتی با بنزین ۳ هزار تومانی هنوز قاچاق بنزین به کشور های همسایه بسیار پر درآمد است). اما یک موضوعی هم هست اگر قیمت بنزین را بر حسب یک ساعت کار یک کارگر در یک کشور محاسبه کنیم، بنزین هزار تومنی عدد قابل قبولی است. به طوری که یک کارگر ایرانی با یک ساعت کار چیزی در حدود ۶ لیتر بنزین میتواند تهیه کند که این عدد برای یک کارگر فرانسوی هم همین هست. با این حساب ما یک تعادل جدید به وجود آوردیم «قیمت سوخت بالا - درآمد پایین»، بدترین نوع تعادل ممکن که بیشترین فشار را به مردم می آورد و بیشترین سود به جیب دولت می رود. طرح دادن یارانه های اضافه هم طرح بد و زیان آور است چون اولاً تزریق مستقیم پول به جامعه باعث تورم شده و مردم پول را به سمت نادرستی هدایت می کنند و از طرف دیگر آیا واریز پول خودمان با اسم های مختلف به خودمان نوعی گدا پروری نیست؟

۲

### علت اغتشاشات داستان و معلولش : چرا نمیتوان در جمهوری اسلامی اعتراض کرد؟

نظام جمهوری اسلامی علیرغم ۴۰ سال حاکمیتش هنوز در برخی امور نابخردانه عمل میکند، نظیر نوع برخورد با اعتراضات. عمر مواجهه نظام ما با اعتراضات مردمی به ده سال می رسد (حوادث سال ۸۸) و شاید هنوز نحوه مقابله با اعتراضات در فرایند های نظام حل نشده، این شاید به این خاطر است که نظام نمیخواهد قبول کند که یک پایگاه مردمی پنهان اما قابل توجه معارض با خودش دارد. اما این کانون پنهان باشد یا پیدا فرقی در پیش بینی یک مجرای قانونی برای اعتراضات ندارد. این یک واقعیت است هر جامعه ای نیاز به اعتراض دارد! نیازی که در حکومت ما اصالت داده نمیشود و این شاید بزرگ ترین ضعف مدنی نظام ماست. فرض کنید اگر در قضایای اخیر در رسانه ها اعلام می شد که فلان و بهمان خیابان ها با نظارت تمام آماده برای حضور کسانی است که قصد اعتراض به گرانی بنزین را دارند. این طور آبا معترضین با آشوبگران خود به خود از هم جدا نمیشدند؟ آنها که در محل های مشخص شده بودند اعتراض گران قانونی و خارج آنها آشوبگران معرفی نمی شدند؟ اما معلول؛ چرا نمیتوان در نظام ما اعتراض کرد؟ دو جواب وجود دارد، اولی یک دلیل کلیشه ای و درست است که نیروهای خارجی اجازه ی اعتراضات مسالمت آمیز را در ایران نمیدهند و با خشونت کشیدنش، آنرا از حالت مفیدش خارج میکنند. اما دلیل مستتر و مهمتری هم هست که کمتر مورد توجه قرار میگیرد نبود حزب به معنای واقعی اش در جغرافیای سیاسی ایران است. اگر شاه به علت ایجاد حزب رستاخیز و تک حزبی کردن سیاست ایران مواخذه میشد امروز ما هم به همین بیماری دچاریم. امروزه روز حتی از اصلاح طلبی و اصولگرایی جز یک سبک نگرش به موضوعات چه چیزی مانده؟؟ و همین بیماری است که باعث عملی نبودن یک اعتراض درست و مسالمت آمیز است. این احزاب هستند که به نمایندگی از توده مردم باید درخواست اعتراض میدانی بدهد و البته عواقبش را نیز بپذیرد. نبود احزاب و تضارب آرا شاید مهمترین بیماری فعلی سیاست ایران است.



۳

### بازنده داستان : دولت - مجلس

را پیش بینی کرد: «ابراز نداشتن اختیار کامل در امور اجرایی - انتقاد به رهبری - حمله به قوه قضاییه به خاطر کشیده شدن پای اترافیانسون به دادگاه بعد از پایان دوره ریاست جمهوری - تغذیه رسانه های بیگانه» و اما مجلس هم بازنده ی مطلق این داستان بود. مجلس اگر آن مجلسی باشد که امام (ره) میفرمود در رأس امور است این گونه اسیر فساد نمیشود. متأسفانه مجلس امروز ما از همان حلقه ی اول درگیر فساد است، از پول دادن برای قرار گرفتن در لیست هایی که مردم میخواهند چشم بسته به آن ها رای دهند تا رای ندادن به طرح عدم شفافیت آرا و خب طبیعتاً امکان زد و بند در رای اعتماد به وزرا. مجلسی که اگر در رأس امور باشد میتواند هر کسی را در حاکمیت به سختی مورد چالش قرار دهد اما وقتی چنین مجلسی برای مثال در ماجرای برجام حتی یک سوال هم از رئیس جمهور نمیکند جای تعجبی ندارد موضعش در قبال حوادث اخیر این چنین باشد! مجلس بخواهد یا نخواهد، یک طرح کارشناسی شده باشد یا نشده باشد باید وکیل حقوق مردم در حاکمیت باشد، اما واکنش مجلس از همان ابتدا خنده دار بود... ابتدا در یک حرکت پوپولیستی سفت و سخت ادعای طرح سه فوریتی برای لغو! قیمت جدید بنزین کرد و بعد در ادعایی عجیب تر به علت «صحبت های صبح یکشنبه مقام معظم رهبری» اعلام کرد طرح سه فوریت کلاً ملغاً! نه خانی رفته و نه خانی اومده! اما اینجا چند علامت سوال به وجود میاید، اول اینکه مگر شما نمایندگان ولایت مدار با خبر از مخالفت آن روزهای رهبری با برجام نبودید؟ اما چه شد که ۱۵ دقیقه تصویبش کردید؟؟ و بعد اینکه رهبری اصلاً حکم حکومتی در این زمینه ندادند و صرفاً به یک حمایت بستنده کردند، آبا این رفع تکلیف از وظیفه دفاع از حقوق مردم نمایندگان می کند؟؟؟

کاش در کتاب های تاریخ بنویسیم تا یادمان بماند رئیس جمهوری که ادعا میکرد زبان خارجی ها را بلد است، زبان مردمش را بلد نبود! روحانی معروف است به اینکه در مواقع بحران سکوت رسانه ای میکند اما در این قضیه حداقل کاش سکوت می کرد! حالا با گفتن «من خودم صبح جمعه از گرانی بنزین با خبر شدم» می توان برچسب دروغگو ترین رئیس جمهور ۴۰ سال انقلاب را به ایشان زد، آخر چطور در مملکتی که جایگاه داران بنزینش شب گرانی اطلاع داشتند، رئیس جمهورش اطلاع نداشت! اما حقیقت چیست؟ آقای روحانی در سیاست ایران تبدیل به یک بازنده ی تمام عیار شده. او از طرفی ۶ سال تمام با گره زدن اقتصاد کشور به ترکمنچای ۲ (بخوانید برجام) از رشد اقتصاد بومی ایران جلوگیری کرده، صنایع پایه ایران نظیر انرژی هسته ای و هوافضا را به تمام معنی ممکن خوابانده و با خصوصی سازی اشتباه کارخانه های بزرگ ایران را به مرز نابودی کشانده و ... حالا با نخوردن ایشان از گندم ری! محبوبیت داخلی رئیس جمهور هم طبق چند نظر سنجی به زیر ده درصد رسیده! شاید پروژه تبدیل شدن به «هاشمی ۲» بهترین راه حل برای تمام نشدن عمر سیاسی اش باشد! اگر در نظر بگیریم مرحوم آقای هاشمی در اوج نارضایتی از شرایط اقتصادی و خفقان فرهنگی و سیاسی دولتش چطور تبدیلی به قبله ی آمال اصلاح طلبان (یعنی بزرگترین منتقدان دولتش) شد، رسیدن به جواب چرایی رفتار و گفتار های اخیر آقای روحانی مشخص میشود: شاگرد در سر جای استاد خود را می پروراند. به راحتی می شود حرکت بعدی آقای روحانی بعد از اتمام ریاست جمهوری

۴

## یک اظهار نظر جنجال برانگیز

رأسی نظام که این به هیچ وجه به صلاح مملکت نبوده و نیست ، به نظر می رسد سیاست رهبری در این زمینه جلوگیری از ادامه یافتن اعتراضات و بعد اصلاح مرحله به مرحله طرح نظیر تک نرخی کردن قیمت بنزین ( به علت فساد زاپی) است ، اما به هر حال با درست بودن محتوای حرف آقا انتقاد هایی به نوع طرح کردن آن وجود دارد که شاید میشد با کلمات بهتری این حرف درست را بیان کرد. شکی نیست که نگاه بسیاری از توده های مردم واکنش رهبری به این قضیه بود و آنها رهبری را تنها سرپناه خود میدانسته و میدانند و این حرف علیرغم درست بودنش شاید خیلی هارا دلسرد و خیلی ها ( مخصوصا جماعت حزب الله را ) در یک ابهام فرو برد. با این وجود رهبری باز هم خودش را خرج دولتی کرد که کمترین سو را با رهنمود های ایشان داشت ، دولتی که گاه و بیگاه به تخریب جایگاه رهبری با انواع روش ها میپرداخت و بیشترین خرج را برایشان می تراشید.

صبح یکشنبه بود که «آقا» به قضایای پیش آمده واکنش نشان دادند و از واکنش ایشان تعبیر مختلفی صورت گرفت. ایشان در صحبت های خودشون فرمودن: من نظر کارشناسی ندارم و بعضی کارشناسان از این اقدام دفاع و بعضی آن را اشتباه میدانند که من از این اقدام شورای رؤسای سه قوه حمایت میکنم» شکی برای نگارنده نیست که مضمون حرف آقا درست و بسیار تیز بینانه است، این سخنان در شروع درگیر های خشونت بار انجام شده و اگر حرفی در تضاد تصمیم گرفته شده از ایشان زده می شد اولاً خواه ، ناخواه باعث مشروعیت بخشی از اعتراضات میشد و از طرفی دیگر باعث رو در رو شدن احتمالی مجلس و دولت و خلاصه بالاگرفتن قضیه در ارکان



## ۵ مظلوم داستان : مردم و دیگر هیچ

متأسفانه نقش اول مظلومیت در حوادث اخیر مردم نجیب ایرانند که هر روز سفریشان کوچک تر شده و امیدشان کمتر... بزرگترین ضرر ایجاد تعادل «قیمت سوخت بالا - درآمد پایین» مردم هستند. هم آنهایی که مصرف کننده مستقیم بنزین هستند و هم آنهایی که بالارفتن خرج های زندگی به طور غیر مستقیم ضرر میکنند. اما وجه دیگر ماجرا این است که آیا این برخورد در شأن مردمی که ۴۰ سال با انواع ناملایمات است؟ مردم ایران در ۴۰ سال اخیر هدف مستقیم فشار هایی بودند که قدرت های خارجی بر نظام جمهوری اسلامی وارد میکند و آیا همه ی مردم لزوماً باید ایمان ابوطالب در شعب را داشته باشند؟ آیا می شود از مردمی که در فشار اقتصادی روزمره هستند انتظار پابندی به آرمان هارا داشت؟ و سؤال بزرگتر اینکه آیا نظام جمهوری اسلامی به حفظ شعائر است که این نام بر آن نهاده شده؟ به برگزاری راهپیمایی و پخش اذان در گلدسته ها؟ نخیر! جمهوری اسلامی نظامی است که در آن بیکاری حداقل شده و ازدواج جوانان آسان است ، مردم اسیر بروکراسی اداری و قضایی نیستند و از بی عدالتی شکایت ندارند . همچنین نظامی هر جایی که برقرار شود آنجا جمهوری اسلامی است ! جایی که زمینه ی تعالی روح یک انسان وجود دارد ، به نظر می رسد کمی راه را از اول اشتباه رفته ایم...

۶

## تأسف داستان: خشونت گسترده

اتفاقات آبان ۹۸ خشونت بار ترین فتنه انجام شده در سالهای اخیر است. برخلاف سال ۸۸ هدف اصلی آشوبگری براندازی نظام نبود! هدف اصلی خود کلمه «خشونت» در معنی کاملش بود . یک سازماندهی کامل برای هرچه بیشتر ضرر زدن مالی و جانی به کشور ، بستن و نا امن کردن بعضی شاهراه های تجاری و حیاتی ، آتش زدن سازمان یافته بانک ها و پمپ بنزین ها شواهدی بر این ادعا هستند . و در اینجا صدمه دیدن بعضی مردم و جوان های بی گناه و در اصطلاح سوختن خشک با تر مایه تأسف است ، این نقشه ی دشمن برای کشاندن و مقابله مردم و نیروهای امنیتی است که همیشه به آسیب های جبران نشدنی می انجامد.